

## ارزیابی منابع مقاله «حجة الوداع» در دایرة المعارف قرآن لایدن\*

مهدی حبیب‌اللهی\*\* و اصغر طهماسبی بلداجی\*\*\* و مریم زمانی\*\*\*\* و شوکت ابراهیم‌پور\*\*\*\*\*

### چکیده

آخرین حج پیامبر اکرم ﷺ که در آخرین سال عمر شریف حضرت واقع شد، حجة‌البلاغ نام دارد. یکی از مباحثی که در این حج بدان پرداخته شد، مسئله ولایت است که در آیه ۳ سوره مائده به آن اشاره می‌کند «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ» به عقیده امامیه و برخی اهل سنت، روز غدیر خم و خلافت علی (علیه السلام) است. با تبیین موضوع ولایت، دین به اکمال می‌رسد. مسئله ولایت در منابع معتبر به تواتر بیان گردیده است؛ اما در مواردی از دید مستشرقان مغفول مانده و بنا به هر دلیلی بیان نشده است. جستار پیش‌رو با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش انتقادی به بررسی و نقد دیدگاه یکی از مستشرقان به نام «دوین استوارت» پرداخته است. وی استادیار زبان عربی و مطالعات اسلامی، در دانشگاه استوری است. او مقاله‌ای تحت عنوان «حجة الوداع» در دایرة المعارف لایدن نوشته است که اخبار عزیمت پیامبر ﷺ به مکه را با جزئیات بیان کرده است؛ اما اخبار مراجعت ایشان به مدینه و مهم‌ترین قسمت حجة‌البلاغ که معرفی امیر مومنان علی (علیه السلام) به‌عنوان ولی و سرپرست مسلمانان هست، ذکر نکرده است. در جستار فرارو، به نقد منابع مورد استفاده توسط مؤلف پرداخته شده و اینکه حتی از همین منابع نیز به‌خوبی استفاده نکرده و اطلاع کافی از منابع مورد استفاده نداشته است. بنابراین مدخل «حجة الوداع» دوین استوارت، بر اساس ادله قرآنی و روایی غیرقابل‌پذیرش است.

واژگان کلیدی: حجة‌البلاغ، دایرة المعارف قرآن لایدن، دوین استوارت، غدیر خم.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴.

\*\* استادیار دانشکده باقرالعلوم: habibolahi@gmail.com

\*\*\* مدرس گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهرکرد: tahmasebiasghar@yahoo.com

\*\*\*\* کارشناسی ارشد علوم قرآنی اصفهان (نویسنده مسئول): mrsmaryamzamani@gmail.com

\*\*\*\*\* کارشناسی ارشد علوم قرآنی اصفهان: ebrahim95p@gmail.com

## ۱- طرح مسئله

خاورشناسی یا شرق شناسی در عربی با واژه استشرق و در انگلیسی با «Orientalism» نام گرفته است. این واژه در ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شد، سپس در سال ۱۸۱۲ م. در فرهنگ آکسفورد به معنای شرق شناسی به کار رفته است (اسکندرلو، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ۱۳۸۷: ۳۶).

شرق‌شناسان علاقه وافری به مطالعات منابع اسلامی دارند، به گونه‌ای که در این راه علاوه بر مطالعه، شروع به نگارش دایرةالمعارف قرآنی نمودند، دایرةالمعارف قرآنی لایدن، حاصل نگارش مستشرقان غربی و شرقی است؛ که با ویراستاری خانم جین دمن مک اولیف در شهر لیدن هلند در سال ۲۰۰۱ م. اولین جلد آن چاپ شد. این کتاب مشتمل بر هزار مدخل در موضوعات و اعلام قرآن هست (رضایی اصفهانی، بررسی دایره المعارف قرآن لایدن، ۱۳۸۵: ۶۸).

مدخل «حجة الوداع» توسط مستشرقی به نام «دوین استوارت» به نگارش درآمده است. زمینه تخصص او مطالعه در حوزه فقه اسلامی، اسلام شیعی، قرآن و لهجه‌های عربی است (شریفی، با قرآن پژوهان جهان، ۱۳۸۳: ۱۹۵). از جمله کتاب‌های او می‌توان به «پاسخ‌های شیعه دوازده‌امامی به نظم حقوقی اهل سنت» و «فقه و آموزش در اسلام» اشاره کرد. وی مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده است، از جمله: سجع در قرآن، درآمدی بر واژه‌نگاری زبان عربی - مصری؛ و در دایرةالمعارف لایدن شامل مقالات، توهین به مقدسات، دعای خیر، نفرین، حجة الوداع است (همان). نوشتار حاضر درصدد بررسی مدخل «حجة الوداع» است و امید است در پایان این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، پاسخ روشنی برای سؤال زیر به دست آید. آیا دوین استوارت به مهم‌ترین مسئله حجة البلاغ (ولایت) توجه کرده است؟

## ۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با حجة البلاغ و نقد دایرةالمعارف لایدن مقالات متعددی نگاشته شده است؛ اما تمایزی که این پژوهش با موارد قبلی داشت، این است که نقدی در زمینه منابع حجة البلاغ در دایرةالمعارف لایدن نگاشته نشده است، از جمله پژوهش‌هایی که به آن رجوع شد:

۱. تحقیقات مستشرقان درباره واقعه غدیر و امامت امام علی (علیه السلام) به دو دسته تقسیم می‌گردد. گروهی به جانشینی امام علی (علیه السلام) به عنوان بهترین جانشین بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) معتقدند؛ اما حدیث و واقعه غدیر را ذکر نکرده‌اند. مانند:

- الف. هاینس هالم، تشیع، ترجمه: محمدتقی اکبری، نشر ادیان، قم: ۱۳۸۴.
- علی علیه السلام و جانشینان او از خاندان پیغمبر از همان آغاز یعنی پس از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله یگانه حکمروایان مشروع و بر حق اسلام از آن گذشته یگانه معلمان و منادیان بر حق دین بودند.
- ب. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، احمد نمایی و دیگران، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۵.
- مادلونگ نیز نظرات خود را خیلی به مذهب شیعه نزدیک می کند و امام علی (علیه السلام) را تنها جانشین لایق پیامبر می داند.
- ج. ارزینا لالانی، نخستین اندیشه های شیعی، ترجمه: فریدون بدره ای، فروزان فر، تهران، ۱۳۸۱.
- لالانی نیز جانشینی فرزندان و خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله را بعد از ذکر برخی از آیاتی که در شان و منزلت امیر مؤمنان و اهل بیت علیهم السلام نازل شده است، بازگو می کند و می گوید: به این ترتیب ملاحظه می کنیم که قرآن مقامی بس والا که والاتر از بقیه مؤمنان است به اهل بیت پیامبر می دهد.
۲. گروهی دیگر از حدیث و واقعه غدیر خم، نامی برده اند، ولی درباره اصالت این واقعه اظهار شک و تردید کرده اند.
- الف. ایگناز گلدزیهر، مطالعات اسلامی، ۱۹۶۶.
- ب. توماس هاکس، دائرة المعارف اسلام (ذیل عنوان غدیر)، ۱۹۶۵.
- ج. فیلیپ جتی، تاریخ اعراب، ۱۹۶۴.
- این نویسندگان حدیث غدیر را نقل کرده اند و آن را يك بدعت شیعی می دانند.
۳. گروهی از نویسندگان فقط به اخبار حجة الوداع پرداختند:
- الف. اجتهادی، ابوالقاسم، تحقیقی درباره اخبار حجة الوداع، مجله: مقالات و بررسی ها، شماره ۲۵ و ۲۶، پاییز ۱۳۵۵.
- ب. الساکت، عبدالوهاب محمد، حجة الوداع، مجله: منبر الاسلام السنة التاسعة و الثلاثون، ذی الحجة، العدد ۱۴۰۱.

### ۳- گزارشی از مدخل «حجة الوداع» در دایرة المعارف قرآن لایدن

در ابتدا مطالبی از مقاله حجة الوداع نوشته دوین استوارت بیان می گردد و سپس نقاط قوت و ضعف مقاله بررسی می گردد.

«حجة الوداع مهم ترین مناسبتی است که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مناسک حج را به پیروانش آموزش داد و از این رو در بحث های بعدی مربوط به شعائر حج و مفهوم آن نقش اساسی را ایفا

می‌کند. در سال دهم هجری پیامبر اکرم ﷺ مهیای انجام حج شد و به همراه گروهی از پیروانش، در اواخر همان ماه از مدینه عازم شدند. پیامبر اکرم ﷺ در این حج مسئولیت رهبری حج را بر عهده گرفت؛ و مناسک حج را به پیروانش آموزش داد. بر طبق اکثر روایات، مناسک حج عمره و واجب را به جای آوردند، با اینکه اجازه دادند به پیروانش در بین حج عمره و واجب از احرام بیرون آیند؛ اما خود در حالت حج باقی ماندند و دلیل خود را قربانی کردن حیوانات اعلام کردند. در مدخل «حجة الوداع» علاوه بر این مطالب کلی، به مطالب جزئی نیز پرداخته است. از جمله در مورد قربانی کردن به مطالب زیر اشاره کرده است در بخشی از مراسم، پیامبر ﷺ، گاو یا گاوهایی را به نیت همسران قربانی کرد.

پیامبر ﷺ به همراه علی ﷺ، پس از انجام مأموریتی در یمن، برای ادای حج آمده بود، صد شتر قربانی کرد. طبق برخی روایات پیامبر اکرم ﷺ ۶۳ و علی ﷺ ۳۷ شتر را قربانی کردند و بر اساس روایات دیگری پیامبر ﷺ ۳۰، ۳۳، ۳۴ شتر و علی ﷺ مابقی را قربانی کرد» (نک، ۴۳۶-۴۳۷، McAuliffe.2002 فصل‌های مربوط به مناسک حج در مجامع حدیثی، ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بی تا: ۱/ ۹۶۱؛ مسلم، صحیح مسلم، بی تا: ۴/ ۲۳۷).

بخش دوم مدخل حجة الوداع به خطبه حجة الوداع پرداخته است (ابن حجر، فتح الباری، ۱۴۰۵: ۱۷۴/۷)؛ و در آن تعدادی از عادات پیش از اسلام را ملغی کرده است. مهم‌ترین آنها «نسیء» یا جابه‌جا کردن و تأخیر در ماه‌های حرام بود و همه را ملزم کرد که دقیقاً بر مبنای تقویم اسلامی و تقویم قمری عمل کنند. دستور بعدی پیامبر ﷺ این بود که تمام دشمنی‌های خونی را ملغی کنند و در بخش پایانی مدخل، به آیاتی که در حین حج و از جمله در طول حجة الوداع بر پیامبر ﷺ نازل شده، پرداخته است.

سوره نصر و آیاتی از سوره توبه (pilgrimage bekl.Muhamad)؛ و آیاتی از ابتدای سوره مائده، در چندین روایت، سوره نصر به رحلت قریب الوقوع پیامبر ﷺ اشاره دارد، به همین اساس آن را سوره التودیع می‌نامند (McAuliffe.2002: 180).

«در مورد این سوره نولدکه اظهار می‌دارد که نسبت دادن به «حجة الوداع» برخاسته از تفسیری غلط از این سوره به نقل از ابن عباس است. آیات ۳۶، ۳۷ سوره توبه با اینکه حاوی احکامی درباره خطبه الوداع اند، ممکن است زودتر نازل شده باشد، نولدکه نزول برخی قسمت‌های آیات ۱ تا ۱۰ مائده را در مورد حجة الوداع می‌پذیرد، از جمله آیه مشهور امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت را برای شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به‌عنوان آیین برگزیدم (مائده/ ۳) که عموماً آن را آخرین وحی نازل شده می‌دانند» (Noldeke.GQ:227-229). (McAuliffe.2002:178).

### ۱-۳. نقاط قوت مقاله

مقاله حجة الوداع دوین استوارت دارای نقاط قوت ذیل است:

#### ۱-۳-۱. پرداختن به جزئیات

از جمله نقاط قوت مقاله، این است که نویسنده برخی از اخبار حجه‌البلاغ را به‌طور کامل به همراه جزئیاتی که اتفاق افتاده است، بیان می‌کند که در ذیل به مواردی اشاره می‌گردد:

#### الف. جایگاه اعلان عادات پیش از اسلام

در حجة‌البلاغ جایگاه بسیار مناسبی بود تا پیامبر اکرم ﷺ عاداتی که در قبل از اسلام وجود داشته است را به‌صورت واضح و کامل تر بیان کنند، از جمله این اعمال، حج بود که باید احکام آن به‌صورت کامل بیان می‌گشت و در حجه‌البلاغ، پیامبر ﷺ به‌عنوان آخرین حج، نقش خود را به‌صورت کامل ایفا نمود و تمام جزئیات حج را آموزش داد؛ زیرا آخرین حج پیامبر ﷺ از نگاه مسلمانان نسل‌های بعد، نمایانگر اكمال وحی الهی و متن مقدس است و لذا زمان قدسی به‌حساب می‌آید (McAuliffe.2002:178).

#### ب. پاسخگویی به سؤالات حجج

در طول حج مسلمانان پیوسته سؤالاتی را درباره فرائض دینی‌شان را از پیامبر اکرم ﷺ سؤال می‌کردند. روایت آمده است که پیامبر ﷺ در پاسخ به این سؤالات آیه ۱۲۵ سوره بقره را قرائت کردند ﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَاهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (McAuliffe.2002:179).

#### ج. جمعیت زیاد در حجة‌البلاغ

در مراسم حجة‌البلاغ آن‌قدر جمعیت زیاد بود که پیامبر اکرم ﷺ مجبور شدند طواف کعبه و سعی صفا و مروه را روی شتر به‌جای بیاورند و آیه ۱۵۸ بقره را قرائت کردند ﴿إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (McAuliffe.2002:179).

#### د. خطبه حجة‌البلاغ

دوین استوارت به قسمت‌هایی از خطبه حجه‌البلاغ به‌طور دقیق و کامل اشاره می‌کند: پس از پایان مراسم حج پیامبر اکرم ﷺ خطبه‌ای ایراد نمودند، به خطبه حجة‌الوداع مشهور است (ابن حجر، فتح الباری، ۱۴۰۵: ۷/۱۱۰)؛ و در آن تعدادی از عادات غلط پیش از اسلام ملغی گردید. مهم‌ترین آن‌ها، «نسیء» یا جابه‌جا کردن و تأخیر ماه‌های حرام بود و از آن به بعد بر امت اسلامی واجب شد، دقیقاً بر مبنای تقویم قمری عمل کنند و در پی تعدیل آن به دنبال تطبیق یا

تقویم شمسی نباشند. پیامبر اکرم ﷺ تمام دشمنی‌های خونی را ملغی و اعلام کرد که با پدید آمدن امت اسلامی، تمام نزاع‌های مبتنی بر نظام‌های قبیله‌ای پیشین منسوخ شده است (نک، مدخل قبیله) هم‌چنین تمام تعهدات پیشین می‌بایست از سر گرفته شود و این نشان دیگری از آغاز نوبت بود (نک، مدخل عقد و پیمان و سوگند). پیامبر ﷺ هم‌چنین به همسران اجازه دادند که همسرانشان را تأدیب کنند؛ اما همراه با شفقت انجام شود. هم‌چنین واگذاری ثروت خود را به کس دیگر از طریق وصیت‌نامه ممنوع کرد (نک، مدخل ارث) و گفت: کسی نمی‌تواند به ادعای غلط ادعای پدری یا ارتباط موکلی یا (شخص متوفی) کند، سنت حرمت چهار ماه سال یعنی ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم، رجب در این زمان مشخص شد. این معیار ظاهراً با پذیرش اسلامی خود حج و درک این‌که حرم کعبه در جای مقدس واقع شده است، در ارتباط است (McAuliffe.2002:179).

#### هـ. نازل شدن سوره‌های متعدد در حجة‌الوداع

برخی از آیاتی که بنا بر روایات در طول حجة‌الوداع نازل شدند، عبارت‌اند از سوره نصر، چند آیه از سوره توبه (نک، Muhammad, bekl, pilgrimage) و آیاتی از اوایل سوره مائده، چندین روایت سوره نصر را اشاره به رحلت قریب‌الوقوع پیامبر دانسته، لذا آن را سوره التودیع نامیدند (McAuliffe.2002: 180).

#### ۳-۱-۲. مستند بودن مطالب

یکی از نکات حائز اهمیت در این مقاله، مستند بودن مطالب و تعدد ارجاعات است. به‌طور مثال برای تعداد شتران قربانی توسط حضرت محمد ﷺ و حضرت علی ﷺ چنین آورده است: «پیامبر به همراه علی ﷺ که پس از انجام مأموریتی در یمن برای ادای حج آمده بود، صد شتر قربانی کردند. طبق برخی روایات، پیامبر ﷺ شصت و سه شتر و علی ﷺ مابقی یعنی سی و هفت شتر را قربانی کرد. بر اساس روایات دیگر، پیامبر سی و سه یا سی و چهار شتر و علی مابقی را قربانی کرد.» و ارجاع می‌دهد به (ترمذی، بی تا: ۷۴۷). و این نشان از مطالعه‌ی نویسنده در کتب مختلف در مورد یک موضوع است.

۱۴۸

#### ۳-۲. بررسی و نقد منابع مقاله دویین استوارت

در این جستار نقد مقاله منابع حجة‌الوداع دویین استوارت در دسته‌بندی‌هایی به شرح ذیل بیان می‌گردد:

- الف. منابعی که نویسنده بدان استناد کرده اما محتوای کاملی از آن ارائه نکرده است.
- ب. منابعی که نویسنده می‌بایست بدان مراجعه می‌کرده و نکرده است.

در ادامه این تتبع مواردی برای هر دسته ایراد می‌گردد:

الف. منابعی که نویسنده بدان استناد کرده اما محتوای کاملی از آن ارائه نکرده است.:

### ۳-۲-۱. بررسی کتاب سیره ابن اسحاق

یکی از منابع مهمی که سیره زندگی پیامبر اکرم ﷺ را به صورت کامل گزارش کرده است، سیره ابن اسحاق است که توسط محمد بن اسحاق به نگارش درآمده است و تلخیص آن توسط عبدالملک بن هشام انجام گرفته است. ابن هشام که شاگرد بکایی بود، به صورت کامل کتاب سیره ابن اسحاق را از او دریافت کرد؛ و اخبار حجة البلاغ را از شروع سفر تا پایان مناسک حج در دوازده روایت بیان کرد (ابن هشام، السیرة النبویه، ۱۴۱۳: ۴/۲۴۸-۲۵۳)؛ و در روایت سیزدهم به یک باره بدون پرداختن به کیفیت مراجعه پیامبر اکرم ﷺ به مدینه فقط با عبارت «ثم قفل رسول الله» به برگشت اشاره می‌کند و سپس از اقامت ایشان در بقیه ذی الحجه و صفر در مدینه و اعزام اسامه بن زید برای جنگ با رومیان سخن گفته است (همان: ۴/۲۵۲) و طبق اشاره‌ای که خود کرده است، لازم نمی‌دید که همه مطالب ذکر شده در کتاب را بیان کند، از این رو به حذف احادیث و در مواردی نیز اضافاتی بر آن افزود، بنا به اعتراف خود ابن هشام، چهار مطلب را از کتاب سیره ابن اسحاق حذف کرده است که به خاطر طولانی شدن کلام، هر آنچه مربوط به نقد مقاله حجة الوداع است، به مطالعه آن پرداخته شده است. از موارد مهمی که ابن هشام در سیره ابن اسحاق حذف کرده است و باعث مشکلات فراوانی شده است، مطالبی که از نظر سندی مشکلی نداشتند و مورد قبول همگان بود و عدم ذکر آن به دلیل رد اعتبار آن از سوی مورخان و محدثان نبوده، بلکه به خاطر این است که به صورت گزینشی عمل کرده است؛ و چون در زمان خلافت عباسیان زندگی کرده است، به خاطر برتری عباسیان بر علویان، اقدام به حذف حجة الوداع، واقعه غدیر، یوم الدار و کل جریان بازگشت پیامبر اکرم ﷺ از حج را حذف نموده است. نکته قابل توجه این است که ابن هشام بقیه مسائل را نتوانست کتمان کند و به وضوح بیان کرده است، از جمله ابتدا به مسلمان شدن حضرت خدیجه و سپس حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند. در مورد لیلۃ المبیت به صورت کامل به این مسئله اشاره می‌کند که پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ، در شب حضرت علی علیه السلام جامه‌ای سبز بر تن کردند و برای محفوظ ماندن از دشمنان و به دستور پیامبر اکرم ﷺ این لباس را پوشید و پس از هجوم کفار قریش در صبحگاه به بستر پیامبر اکرم ﷺ و دیدن علی علیه السلام به جای ایشان سخن گفته است (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بی تا: ۱۸۵).

نقد: دوین استوارت در مورد سیره ابن اسحاق و نویسنده آن گویا تحقیق لازم را انجام نداده است. همان طور که بیان گردید، محمد بن اسحاق تمام وقایع زندگی پیامبر اکرم ﷺ را بیان می‌کنند؛

اما تلخیص آن توسط عبدالملک بن هشام انجام شد. وی با وجود اینکه تمامی مطالب را از استاد خویش فراگرفته بود؛ اما به صورت گزینشی مطالب را ذکر کرده است و تحت تأثیر خلفای زمان خود به ذکر همه مطالب نپرداخته و آنچه را نوشت که به مذاق آن‌ها خوش باشد.

### ۲-۲-۳. بررسی تاریخ طبری

ابن جریر طبری (م ۳۱۰ ق) یکی از مورخان و مفسران مشهور اهل سنت است که در طبرستان - مازندران فعلی - در سال ۲۲۴ هـ ق متولد شد (ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ۱۴۰۷: ۱۴۵/۱۱)؛ و سرانجام در بغداد استقرار یافت (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۰۵: ۲۶۷/۱۴). طبری در علوم رایج آن زمان؛ مانند فقه، حدیث، تفسیر و تاریخ تبحر داشت (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵: ۸/۱۳۴). از نظر مذهبی از اهل سنت بود، ولی تعصب شدید نداشت، او اساساً یک سنی معتدل بود، گو این‌که در اواخر عمر تمایلی نیز از وی به تشیع بروز کرده است (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة، ۳۲۲: ۱۳۶۵). دو اثر شامل کتاب تاریخ و تفسیر طبری از تألیفات او به شمار می‌آید. از واقعه غدیر و آیات و روایات مرتبط با آن، در این دو اثر مطلبی وجود ندارد، برای نمونه در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» (مانده/ ۶۷)، آنجا که سبب نزول آیه را مطرح می‌کند و داستان غدیر را بیان می‌کند، حتی به عنوان یک احتمال چیزی بیان نکرده است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۳/۱۹۸-۱۹۹)؛ اما یکی از راهکارهایی که طبری برای این کار انجام داده است، کتاب‌های مستقلی تحت عنوان «طرق حدیث الغدیر» یا «کتاب الولاية» و کتاب «فضایل علی ابن ابی طالب (علیه السلام)» درباره حدیث غدیر تألیف کرده که آن را در تاریخش ذکر نکرده است؛ و شاید هم ذکر کرده، ولی دیگران برداشته‌اند. البته شاید هم آن دو جلد کتاب وی درباره حدیث غدیر جزئی از کتاب تاریخ وی بود که بعداً از آن جدا شده؛ یا چون او می‌خواسته در این باره کتاب مستقلی بنگارد، لذا آن را در کتاب تاریخش نیاورده است. این کتاب، در اختیار چندین نفر از مؤلفان، مورخان و محدثان بزرگ اسلامی تا قرن نهم بوده است (سرگین، ۱۴۱۲: ۱۶۸). فهرست اجمالی افراد عبارت است از: قاضی نعمان اسماعیلی (م ۳۶۳) که بیشترین نقل را از این کتاب دارد. برخی اندیشمندان اهل سنت به این تألیف طبری اشاره کرده‌اند، از جمله:

الف. ابن کثیر در این باره گفته: «به حدیث (حدیث غدیر) ابوجعفر محمد بن جریر طبری صاحب تفسیر و تاریخ توجه نموده است؛ سپس در دو جلد اسناد، طرق حدیث، الفاظ این حدیث را بیان کرده است. همچنین در جایی دیگر آورده است: استاد ما ابو عبدالله ذهبی گفت: در نسخه‌ای از



نوشته‌های ابوجعفر بن جریر طبری چنین یافتیم که: رسول خدا ﷺ در حالی که دست علی ﷺ را گرفته بود، فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا مَوْلَاً، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» هر که من مولای اویم، پس این (علی) مولای اوست، خدایا! هر کس او را دوست می‌دارد، دوستش بدار و هر کس با وی دشمنی می‌کند، با او دشمنی کن (ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ۱۴۰۷: ۱۱/۲۰۸).

ب. ابن عساکر (م ۵۷۱ ق) می‌نویسد: «چون طبری خبر یافت که ابوبکر بن ابی داود سجستانی درباره غدیر خم حدیثی نقل کرده است، به تألیف این کتاب پرداخت و فضایل سه خلیفه و علی بن ابی طالب ﷺ را برشمرد و در تصحیح آن احتجاج کرد و در فضایل امیرالمؤمنین علی ﷺ شرحی مبسوط نگاشت» (همان: ۱۹۷-۱۹۸).

ج. ذهبی می‌گوید: «یک جلد از کتاب طبری درباره طُرُق حدیث غدیر، تألیف ابن جریر طبری را دیدم و از این کتاب و زیادی طُرُقش وحشت کردم، وی همچنین می‌گوید: «محمد بن جریر طبری، اسناد روایت غدیر خم را در چهار جلد جمع‌آوری کرده است که من قسمتی از آن را دیده و از گستردگی روایاتش شگفت‌زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است (ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۴۱۹: ۱۴/۲۰۳). ذهبی در ادامه بیان می‌کند: طبری در کتاب غدیر خم نقل می‌کند که علی ﷺ به عثمان، طلحه، زبیر، سعد، عبدالرحمن، عبدالله بن عمر گفت: «شمارا به خدا سوگند می‌دهم: آیا کسی از شما در روز غدیر بوده که رسول خدا ﷺ درباره او فرموده باشد: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ». طبری احادیث دیگری نقل می‌کند که دلالت بر امامت و ولایت امام علی ﷺ دارد؛ مانند حدیث نزدیکان خود را هشدار ده هنگامی که آیه ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾، «به‌درستی که این برادر، وصی و جانشین من در میان شما است، پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید (همان: ۱۴/۲۷۷).

د. نجاشی که نام کتاب غدیر و مناقب طبری را یاد کرده و طریق خود را به آن یادآوری کرده است (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ۱۳۶۵: ۳۲۲).

هـ. شیخ طوسی (م ۴۶۰) و حموی (م ۶۲۶) که گزارشی از چگونگی تألیف این اثر بیان کردند (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷ ق: ۴۷۴/۵؛ حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵: ۱۱۱/۲)؛ ۱۵۱ این شهر آشوب (م ۵۸۸) که نام این کتاب را در شرح حال او آورده و در جای دیگر خبر شمار طرق نقل شده برای حدیث غدیر در این کتاب را ارائه کرده است و در المناقب در چندین مورد از آن نقل کرده است (ابن شهر آشوب، مناقب، ۲۵/۳).

ز. ابن طاووس (م ۶۶۴) نیز که هم از آن یاد و نقل کرده است (سیدبن طاوس، الطرائف، ۱۴۰۰: ۱/۱۴۲).

طبری درباره آیه ولایت می گوید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مانده/ ۵۵) سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را بر پا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند. طبری درباره شأن نزول این آیه شریفه می نویسد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الْآيَةُ»: نزلت فی علی بن ابی طالب تصدق و هوراکع؛ آیه ولایت در حق علی بن ابی طالب نازل شد، هنگامی که در حالت رکوع صدقه داد.» (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۳۲۱/۶).

درواقع این مطالب به قدری واضح و روشن است که نیازی به اثبات آن نیست.

نقد: حجة البلاغ در تاریخ و تفسیر طبری به آن اشاره نشده است و طبری در کتاب دیگر خود به طور وسیع و گسترده بدان پرداخته بود و نیازی به تکرار آن نمی دید؛ اما این مسئله از دید دویین استوارت مخفی مانده است.

### ۳-۲-۳. مراجعه دویین استوارت به سنن نسایی و عدم ذکر واقعه غدیر خم

نسائی از دانشمندان اهل سنت و صاحب کتاب سنن نسائی که یکی از کتاب های معتبر نزد اهل سنت و از کتب صحاح سته به شمار می آید. نسائی برخلاف مردم دمشق بود که علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) دشنام می دادند. او در مورد فضیلت های امام علی (علیه السلام) کتابی به نام «خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)» نگاشت که در آن به نقل فضائل علی (علیه السلام) پرداخته و انگیزه وی از تألیف این کتاب آن بود که چون وارد در شهر دمشق شد، دیدند که مردم به بدگویی از علی (علیه السلام) مشغول اند و بسیار از او متنفرند؛ از این روی بود که تصمیم به نگارش این کتاب گرفت و به خاطر اینکه از او خواستند در مقابل فضائل معاویه هم کتابی بنگارد، از این کار امتناع کرد، آن قدر او را کتک زدند که جان داد (ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ۱۴۰۷: ۱۱/۱۲۴). برخلاف افرادی که سعی در حذف خطبة الوداع داشتند، او در کتاب السنن الکبری این خطبه را آورده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از آخرین حج (حجة الوداع) برمی گشت و به غدیر خم رسید، دستور داد همه بایستند، سپس فرمود: «به زودی دعوت خدا را اجابت خواهیم کرد، همانا من دو چیز گران بها نزد شما می گذارم، یکی بزرگ تر از دیگری است؛ کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. آنگاه فرمود: سپس نگاه کنید که چگونه با این دو رفتار می نمایید. به درستی که این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد گردند. سپس فرمود: خداوند، مولای من است و من مولای همه مؤمنانم، بعد دست علی - علیه السلام - را گرفت و فرمود: هر کس من مولای اویم، پس این مولای اوست. پروردگارا کسی که او را دوست می دارد، دوستش دار و کسی که او را دشمن بدارد، دشمنش دار (نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱: ۴۵).

نقد: با اینکه نویسنده مقاله از سنن نسائی در منابع یاد می‌کند؛ اما تمامی مطالب را در مورد حجة‌البلاغ از سنن نسائی نیاورده است؛ چراکه نسائی به‌وضوح به «من كنت مولاه» در واقعه غدیر و حجة‌البلاغ اشاره کرده است.

۳-۲-۴. مراجعه دوین استوارت به کتاب سنن ابن ماجه و عدم ذکر «من كنت مولاه فعلى

مولاه» در مقاله حجة‌الوداع

ابن ماجه قزوینی از سعد بن ابی وقاص نقل کرده است که در یکی از سال‌های حج که معاویه به مکه رفته بود، سعد بن ابی وقاص به ملاقات او رفت. در این هنگام، حاضران برای خوشحال کردن، معاویه، از حضرت علی علیه السلام بدگویی می‌کردند؛ سعد، از شنیدن نکوهش آنان، خشمناک شد و گفت: چنین سخنان نابجا و نابخردانه را درباره بزرگواری می‌گویید که خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم فرمودند «من كنت مولاه فعلى مولاه» و شنیدم خطاب به حضرت علی علیه السلام می‌فرمودند: «انت مئى بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدى» و شنیدم که فرمود: «لا عظيمى الراية رجلاً يحب الله ورسوله؛ همانا پرچم جنگ را به مردی می‌سپارم که خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دوست می‌دارد (ابن ماجه القزوینی، سنن ابن ماجه، بی تا: ۱/ ۴۵).

همچنین ابن ماجه از براء بن عازب چنین نقل می‌کند:

حدثنا على بن محمد، ثنا ابوالحسين، اخبرني حماد بن سلمه، عن علي ابن زيد بن جدعان، عن عدی بن ثابت، عن البراء بن عازب، قال: «اقبلنا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فى حجة آلتى حج فنزل فى بعض الطريق فامر الصلاة جامعة فأخذ بيد على فقال: ألسنت اولى بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: بلى قال: السنت اولى به كل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى. قال: فهذا ولى من أنا مولاه، اللهم وال من والاه اللهم عاد من عاداه؛ عدی بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است که در «حجة‌الوداع» که افتخار همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را داشتیم، در بازگشت، در یکی از مسیرها، دستور داد برای نماز جمع شویم و در آنجا دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: آیا من سزاوارتر نیستم به مؤمنان از خود آنها؟ همگی تصدیق کرده و بله گفتند. باز فرمود: آیا من نسبت به تک تک مؤمنان از خود آنها سزاوارتر نیستم؟ باز هم تصدیق کرده و بله گفتند. سپس اشاره به حضرت علی علیه السلام کرده و فرمود: «اکنون که فرموده مرا تصدیق کردید، بدانید که علی به هر مؤمنی همان مقام اولویت را دارد که من نسبت به آن مؤمن دارم، سپس فرمود: پروردگارا! دوست علی را دوست بدار و دشمن او را خوار و ذلیل فرما (همان: ۱/ ۴۳).

نقد: دوین استوارت به سنن ابن ماجه قزوینی مراجعه کرده است و باوجود اشاره ابن ماجه به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام، در مقاله حجة‌الوداع حتی به یک جمله در این زمینه اشاره نکرده

است. یکی از اشتباهات دوین استوارت برای نگارش مقاله حجة الوداع، جستجو در سندهایی است که عبارت «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» در آن مشاهده گردیده است. حال در همه سندها این عبارت یافت نمی شود و با واژه مشابه به کاررفته است که دوین استوارت از آن غفلت کرده است. در منابع اهل سنت عبارت «من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» به کاررفته است. از این رو، با بررسی هایی که تا به حال از این منابع داشتیم، می توان به غرض ورزی این مستشرق در برخورد با منابع اهل سنت اذعان کرد.

۳-۲-۵. مراجعه دوین استوارت به کتاب صحیح ترمذی (سنن) و عدم ذکر من كنت مولاه

### فعلی مولاہ

در منابعی که دوین استوارت در آخر مقاله حجة الوداع خود ذکر کرده است، کتاب صحیح ترمذی به چشم می خورد، صحیح ترمذی یکی از کتاب های شش گانه حدیثی (صحاح سته)، اهل سنت، تألیف ابو عیسی ترمذی است.

کتاب صحیح ترمذی، مشهور به سنن ترمذی، مجموعه ای از احادیث انتخاب شده با نقدی مختصر و با اشاره به آراء و فتوای عالمان اصحاب حدیث است. این کتاب از سده ۵ ق در کنار صحیحین جای گرفته و با پدید آمدن نظریه صحاح سته در قرن ۶ ق، تاکنون بدون اختلاف به عنوان یکی از این صحاح شناخته شده است. اگرچه از نظر سبک، این کتاب یک «جامع» شناخته شده است (خطیب بغدادی، الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع، ۱۴۰۳ ق: ۱۸۵/۲)؛ اما از آنجاکه مانند یک سنن با مباحث فقهی آغاز شده و مباحث تکمیلی به پایان کتاب افزوده شده و وجه غالب بر آن فقهی بوده است، از همان سده های نخست تداول، نزد بسیاری به عنوان سنن شناخته شده و نام سنن ترمذی بر آن غلبه یافته است (خلیلی، الارشاد فی معرفه علماء الحدیث، ۱۴۰۹: ۹۰۵).

ترمذی نیز در سنن خود، مضمونی همانند آنچه ابن ماجه آورده بود، در مورد حجة الوداع بیان می کند. همچنین ترمذی در جلد دوم جامع خود با سند خویش از مسلم بن کهیل نقل می کند که می گفته است، از ابوالطفیل شنیده که او از ابوسریحه یا از زید بن ارقم از فرموده رسول خدا ﷺ نقل کرده که پیامبر ﷺ فرموده اند: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست». در کتاب مجمع الزوائد خود، حدیث غدیر را نخست به نقل از طبرانی آورده و سپس از گفته علی ﷺ نیز نقل می کند که فرموده است: به دستور پیامبر ﷺ در منطقه خم نخست زیر درختی را از خار و خاشاک پاک کردند، آنگاه پیامبر ﷺ در حالی که دست مرا در دست گرفته بود، خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! آیا شما گواهی نمی دهید که خداوند پروردگار شماست؟ گفتند: آری، گواهی می دهیم. سپس فرمود: آیا

گواهی نمی‌دهید به اینکه خدا و رسول او بر شما از خودتان سزاوارترند و اینکه خدا و رسول خدا مولای شمایند؟ گفتند: آری، همین‌گونه است. پیامبر ﷺ فرمودند: هر کس که خدا و رسولش مولای اویند، این مرد مولای او خواهد بود.» (ترمذی، سنن الترمذی، بی‌تا: ۵/۶۳۳).

نقد: ترمذی در سنن، جلد دوم جامع و در کتاب مجمع الزوائد خود به حدیث غدیر به طرق مختلف اشاره نموده است. دوین استوارت نیز از سنن در منابع مورد استفاده یاد می‌کند؛ اما مطالب سنن را به‌طور جامع نیاورده است.

۳-۲-۶. بررسی کتاب فتح الباری ابن حجر عسقلانی در مورد مسئله ولایت علی بن

ابی طالب رضی الله عنه

در کتاب فتح الباری به شرح صحیح البخاری در مورد حدیث من کنت مولاه آمده است: «وَأَمَّا حَدِيثُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ فَقَدْ أَخْرَجَهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَهُوَ كَثِيرُ الطَّرِيقِ جَدًّا وَقَدْ اسْتَوْعَبَهَا ابْنُ عُقْدَةَ فِي كِتَابِ مُفْرَدٍ وَكَثِيرٍ مِنْ أَسَانِيدِهَا صَحَّاحٌ وَحَسَانٌ...» حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه را ترمذی و نسائی نقل نموده‌اند و طرق و سندهای آن به واقع بسیار است که همه آن‌ها را ابن عقده در کتابی مستقل آورده است و بسیاری از سندهای آن صحیح و حسن است (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ۱۴۰۵: ۷/۶۱).

ابن حجر عسقلانی از حضرت علی رضی الله عنه نقل کرده است:

«رسول خدا ﷺ در زیر درختی در محل «خیم» قرار گرفته بود، طولی نکشید از زیر درخت بیرون آمده و دست مرا گرفت و خطاب به مردم فرمود: ای مردم! مگر نه این است که گواهی می‌دهید، خدای تعالی پروردگار شماست؟ در پاسخ گفتند: آری! فرمود: مگر نه این است که گواهی می‌دهید، خدا و رسول او از جان شما به شما سزاوارترند؟ و خدا و رسول او مولای شمایند؟ گفتند: آری! فرمود: بنابراین، کسی که خدا و رسول او مولای اوست، به‌راستی این شخص (علی علیه السلام) مولای اوست. اینک، در میان شما دو اثر ارزنده و گران‌بها می‌گذارم که هرگاه به آن‌ها تمسک کنید، هرگز در منجلا ب گمراهی گرفتار نخواهید شد: یکی، کتاب خدا است که ریسمان استوار میان شما و خدا هست که یک‌طرف آن در دست حق تعالی است و طرف دیگرش در اختیار شماست و دیگری، اهل بیت من است» ابن حجر بعد از نقل این روایت می‌گوید: سند این روایت صحیح است (همان: ۷/۱۴۲).

نقد: یکی از اشتباهاتی که مستشرقان برای نگارش مقالات خود داشته‌اند، عدم مراجعه صحیح به منابع است. دوین استوارت به دو کتاب صحیح بخاری و مسلم مراجعه کرده است؛ اما به مستدرک صحیحین بخاری و مسلم مراجعه نکرده است.

### ۷-۲-۳. بررسی کتاب صحیحین بخاری و مسلم در مورد مسئله ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام

حدیث غدیر را بخاری و مسلم در صحیحشان نیاورده‌اند، ولی این مسئله به هیچ وجه موجب اشکالی در سند روایت غدیر نمی‌شود؛ زیرا تعداد روایاتی که حتی به نظر خود بخاری و مسلم نیز صحیح است (صحیح علی شرط الشیخین) و هیچ شکی در آنها نیست، ولی در «صحیح بخاری و مسلم» نیامده است، اندک نیست و از همین روی چندین مستدرک بر آنها نگاشته شده است. اگر تمامی روایات صحیح در «صحیح بخاری» گردآمده بود، به صحاح دیگر نیازی نبود، درحالی که همه می‌دانند هیچ دانشمند محقق و منصفی نیست که خود را با داشتن «صحیح بخاری» یا «صحیح بخاری و مسلم»، از دیگر کتب صحاح بی‌نیاز بداند.

نقد: بخاری و مسلم بیان کرده‌اند که آنچه را در این کتاب آورده‌ایم، صحیح است، نه اینکه تمام روایات صحیح را بیان کرده‌ایم، بلکه بسیاری از احادیث صحیح را بنا به عللی نیاورده‌ایم (نووی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج، بی تا: ۲۴) اضافه بر تمام این مطالب، علامه امینی رحمته الله روایت غدیر را از بیست و نه نفر از مشایخ بخاری و مسلم نقل می‌کند (امینی، الغدیر فی الكتاب والسنة والأدب، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

### ۸-۲-۳. بررسی کشف زمخشری در مورد مسئله ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام

زمخشری در مورد تفاسیر و شأن نزول آیات به صورت گسترده پرداخته؛ اما در مورد آیات مربوط به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حد یک یا دو جمله اکتفا می‌نمود (طیبی، فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الریب، ۱۳۹۶: ۵۱۲). در آیه ۶۷ سوره مائده بیان می‌کند «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ جَمِيعًا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَ أَى شَىءٍ أَنْزَلَ إِلَيْكَ غَیْرَ مَرْقَبٍ فِی تَبْلِیغِهِ أَحَدًا وَ لَا خَافَ أَنْ یُنَالِكَ مَكْرُوهٌ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ وَ إِنْ لَمْ تَبْلِغْ جَمِیعَهُ کَمَا أَمَرْتُکَ» مانند دیگر ابلاغ آیات وحی می‌داند و حتی اشاره‌ای نیز ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام ندارد، در مورد آیه ۳ سوره مائده این گونه بیان کرده است «کَمَا تَقُولُ الْمَلُوكُ: الْیَوْمَ کَمَلْنَا الْمَلْکَ وَ کَمَلْنَا مَا نَرِیدُ، إِذَا کَفُوا مِنْ یُنَازِعِهِمُ الْمَلْکَ وَ وُصَلُوا إِلَى أَغْرَاضِهِمْ وَ مَبَاقِیهِمْ. أَوْ أَكْمَلْتَ لَکُمْ مَا تَحْتَاجُونَ إِلَیْهِ فِی تَکْلِیْفِکُمْ مِنَ التَّعْلِیمِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ التَّوْقِیْفِ عَلَی الشَّرَائِعِ وَ قَوَانِینِ الْقِیَاسِ وَ أَصُولِ الْإِجْتِهَادِ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی بِه فَتَحْ مَكَّةَ وَ دَخُلْهَا آمَنِینَ ظَاهِرِینَ، وَ هَدَمْنَا الْمَنَاجِرَ الْجَاهِلِیَّةَ وَ مَنَاسِکَهُمْ وَ أَنْ لَمْ یَحِجَّ مَعَکُمْ مُشْرَکٌ، وَ لَمْ یَطْفِ بِالْبَیْتِ عَرِیَانٌ. أَوْ أَتَمَّمْتَ نِعْمَتِی عَلَیْکُمْ بِاِکْمَالِ أَمْرِ الدِّینِ وَ الشَّرَائِعِ کَأَنَّهُ قَالَ: الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی بِذَلِکَ، لِأَنَّهُ لَا نِعْمَةَ أَتَمُّ مِنْ نِعْمَةِ الْإِسْلَامِ وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِینًا یَعْنِیْ اخْتَرْتَهُ لَکُمْ مِنْ الْأَدِیَانِ وَ أَذْنَتُکُمْ بِأَنَّهُ هُوَ الدِّینُ الْمَرْضِیُّ وَحْدَهُ»، (زمخشری، تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل، ۱۴۰۷: ۶۰۵) در مورد تعلیم حلال و حرام و توقیف شرایع، هم چنین کامل شدن دین اشاره کرده؛ اما به مسئله غدیر اصلاً در متن تفسیر اشاره نمی‌کند.

نقد: لازم بود که نویسنده تنها به یک تفسیر اکتفا نکند و از تفاسیر دیگر اهل سنت که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود نیز بهره ببرد تا نکات بیشتری درباره آیات دریابد.

فخر رازی در ذیل آیه ۶۷ مائده چنین آورده است:

«نزلت الآیه فی فضل علی بن ابیطالب علیه السلام و لما نزلت هذه الآیه اخذ بیده و قال «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ» فَلَظِيهِ عَمْرُضِي اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: هُنَيْئًا لَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! اصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَايَ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛ این آیه در مورد علی ابن ابیطالب علیه السلام نازل شده است. هنگامی که این آیه شریفه نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت (و بلند کرد) و فرمود: «هر کس که من مولای او هستم، پس علی هم مولای او هست. پروردگارا، کسانی را که ولایت علی را پذیرفته‌اند، دوست بدار و کسانی که با او به دشمنی برخاسته‌اند، دشمن بدار؛ سپس عمر با علی علیه السلام ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: «ای فرزند ابوطالب! این فضیلت و مقام بر تو مبارک باشد، تو از امروز مولا و رهبر من و همه مردان و زنان مسلمان شدی.» (فخر رازی، تفسیر کبیر، ۱۴۲۰: ۶۳۶/۳).

شیخ محمد عبده مصری در بیان می‌کند: و روی ابن بی حاتم ابن مردویه و ابن عساکر عن ابن سعید خدری انها نزلت یوم غدیر خم فی علی بن ابی طالب علیه السلام؛ روایت کرده‌اند ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر از ابن سعید خدری که همانا آیه ۶۷ سوره مائده در شأن حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است (رشید رضا، تفسیر المنار، ۱۹۹۰: ۶/۶۳؛ سیوطی، الدار المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۹۹۳: ۲۹۸ ذیل آیه ۶۷ سوره مائده)

### ۲-۹. بررسی مجمع البیان طبرسی در مورد مسئله ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام

دوین استوارت به مسئله شأن نزول سوره نصر، مانده، آیاتی از سوره توبه پرداخته که مربوط به حجة الوداع است، مقاتل گوید: چون این سوره نازل شد، پیغمبر صلی الله علیه و آله بر اصحابش خواند و آن‌ها خوشحال شده و به هم بشارت دادند و عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله شنید و گریه کرد، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمو چرا گریه می‌کنی، گفت ای رسول خدا صلی الله علیه و آله گمان می‌کنم که این سوره خبر رحلت شما را داده است. فرمود، آری همان‌طور است که شما می‌گویید، پس دو سال بعد از آن زنده ماند و کسی آن حضرت را در آن دو سال خندان و خوشحال ندید. گوید: و این سوره را سوره تودیع (خداحافظی) نامیده‌اند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۲۹).

نقد: یکی از نقدهایی که به دوین استوارت وارد است، برای نگارش مقاله حجة الوداع باید به آیه ۶۷ سوره مائده مراجعه می‌کرد، در صورتی که از این کار امتناع کرده و در مورد شأن نزول آیات نازل شده در حجة الوداع از جمله سوره نصر، بخش‌هایی از سوره توبه و اوایل سوره مائده به

مجمع البیان طبرسی مراجعه کرده است؛ حال آنکه از همین منبع، به صورت واضح طبرسی در مورد آیه «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» به تفسیر آیه و مسئله ولایت پرداخته است؛ اما دوین استوارت در مقاله خود به آن اشاره نکرده است. حسن گوید: خداوند متعال پیامبر ﷺ را به رسالتی مبعوث کرده بود، که خود را در برابر آن ناتوان می‌دید و از قریش بیمناک بود، به وسیله این آیه، ترس و بیم او را زایل کرد. عایشه گوید: این آیه، توهم اینکه پیامبر ﷺ به خاطر تقیه، قسمتی از وحی خدا را کتمان کرده است، برطرف می‌کند. حرفهای دیگری هم زده‌اند. از این رو این آیه را بر پیامبر ﷺ نازل فرمود، او در روز غدیر خم، علی را به رهبری مسلمانان منصوب کرد. هر کس من مولی و رهبر اویم، علی مولی و رهبر اوست. خدایا هر که علی را دوست دارد، دوست بدار و هر که علی را دشمن دارد، دشمن بدار (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۱۷).  
 ب) منابعی که نویسنده می‌بایست برای نوشتن این پژوهش به آن مراجعه کرده و نکرده است.  
 منابع اهل سنت که مسئله ولایت در آن ذکر شده است، حدود ۱۱۰ منبع با عکس کتب در پایگاه شفقنا ذکر گردیده است. حال به صورت خلاصه به چند مورد از آن اشاره کرده که دوین استوارت لازم بود برای نگارش این مقاله به این منابع رجوع کند، از جمله منابعی که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود

### ۳-۲-۱. مسند احمد بن حنبل

یکی از مشهورترین مسندهای نوشته شده در تاریخ جهان اسلام، مسند احمد بن حنبل اثر احمد بن محمد بن حنبل نگاشته شده است. ابن جوزی درباره این مسند می‌گوید: این مسند سی هزار حدیث در بردارد. به گفته احمد بن حنبل، این احادیث از میان ۷۵۰ هزار حدیث از پیامبر اسلام ﷺ جمع‌آوری شده است و هر حدیثی را که در آن نیاورده باشد، نباید حجت شمرد. محدثان درباره صحت احادیث این کتاب و ضعف احادیث آن نظرات گوناگونی دارند. حجة الوداع و مسئله ولایت به طور کامل در مسند احمد بن حنبل آورده شده است.

الف. «من مسند احمد بن حنبل، و بالاسناد المقدم، قال: حدثنا عبد الله بن احمد بن حنبل، عن ابيه، قال حدثني ابي، قال: حدثنا عفان، قال حدثنا حماد بن سلمة، قال: حدثنا علي بن زيد، عن عدی بن ثابت، عن البراء بن عازب، قال: كنا مع رسول الله ﷺ في سفر. فنزلنا به غدیر خم، فنودی فینا، الصلاة جامعة وكسح لرسول الله ﷺ تحت شجرتين، فصلى الظهر واخذ بيد علي ﷺ فقال: الستم تعلمون اني اولى بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: بلى، قال: الستم تعلمون اني اولى به كل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى، قال: فاخذ بيد علي ﷺ، فقال» (ابن حنبل، فضائل الصحابة، ۱۴۰۳: ۲/ ۵۶۵).



ب. «و بالاسناد المقدم قال: حدثنا عبد الله بن احمد بن حنبل، قال: حدثنا عبد الله، قال: حدثني ابي، قال: حدثنا حسين بن محمد وابو نعيم، قالا: حدثنا فطر، عن ابي الطفيل، قال: جمع على عليه السلام الناس في الرحبة، ثم قال: انشد بالله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم، يقول يوم غدیر خم: ما سمع لما قام، فقام ثلاثون من الناس وقال أبو نعيم: فقام اناس كثير، فشهدوا حين اخذ بيده، فقال للناس: اتعلمون اني اولى بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: نعم يا رسول الله، قال من كنت مولاه، فهذا مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه» (همان: ۶۸۲ / ۲).

ج. و بالاسناد المقدم قال: «حدثنا عبد الله بن احمد بن حنبل، قال: حدثني حجاج ابن الشاعر، قال حدثنا شيباه، قال: حدثني نعيم بن حكيم، قال: حدثني أبو مريم ورجل من جلساء علي، عن علي عليه السلام، ان النبي صلى الله عليه وسلم قال يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه. قال: فزاد الناس بعد: وال من والاه، وعاد من عاداه» (همان: ۱۵۲ / ۲).

د. و بالاسناد المقدم قال: «حدثنا عبد الله بن احمد بن حنبل، قال: حدثنا ابي، قال: حدثنا يحيى بن آدم، قال: حدثنا حنش بن الحرث بن لقيط النخعي الاشجعي، عن رياح الحرث، قال: جاء رهط الى علي عليه السلام بالرحبة، فقالوا: السلام عليك يا مولانا، قال: كيف اكون مولاكم وانتم قوم عرب؟ قالوا: سمعنا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم: من كنت مولاه فان هذا مولاه. قالوا، نفر من الانصار، فيهم أبو ايوب الانصاري» (همان: ۵۷۲ / ۲ و ۹۶۷).

هـ. حدثنا عبد الله بن احمد بن حنبل، قال: «حدثني ابي، عن ابيه، قال: حدثنا عبد الرزاق، قال: حدثنا معمر، عن ابن طاوس، عن ابيه، قال: لما بعث رسول الله صلى الله عليه وسلم عليا عليه السلام الى اليمن، خرج بريدة الاسلمي معه فبعث علي عليه السلام في بعض السبي فشكاه بريدة الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال صلى الله عليه وسلم: من كنت مولاه فعلى مولاه» (همان: ۵۹۲ / ۲).

### ۲-۳-۳. تاريخ دمشق

ابن عساکر در تاريخ دمشق از براء بن عازب روايت می کند

۱۵۹ قال: خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى نزلنا غدیر خم بعث مناديا ينادي، فلما اجتمعن قال: «أ لست أولى بكم من أنفسكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال: أ لست أولى بكم من أمهاتكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال: أ لست أولى بكم من آبائكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال: أ لست أولى بكم، أ لست، أ لست، أ لست؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال: فمن كنت مولاه فإنّ عليا مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، بی تا: ۲۲۰ / ۴۲).

### ۳-۳-۳. مستدرک علی الصحیحین

حاکم نیشابوری نیز در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» به حجة الوداع اشاره کرده است «عن ابي وائلة انه سمع زيد بن ارقم رضی الله عنه يقول: نزل رسول الله ﷺ بين مكة والمدينة عند شجرات خمس دوحات عظام، فكنس الناس ما تحت الشجرات، ثم راح رسول الله ﷺ عشية فصلى، ثم قام خطيبا، فحمد الله وأثنى عليه وذكر وعظ، فقال: ما شاء الله أن يقول، ثم قال: أيها الناس إني تارك فيكم أمرين لن تضلوا إن اتبعتموهما، وهما كتاب الله واهل بيته عترتي، ثم قال: أتعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ ثلاث مرات. قالوا: نعم، فقال رسول الله ﷺ: من كنت مولاه فعلى مولاه» (حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بی تا: ۳/۱۰۹-۱۱۰).

### ۳-۳-۴. حجة الوداع در شواهد التنزیل

وَرَوَاهُ الْحَسَنُ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ سَلِيمَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُنْذِرِ الْقَابُوسِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ ثَابِتٍ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ قَزَمٍ، عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَحْبَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا أَنْ أُمَّتَهُ سَتَفْتِينَ مِنْ بَعْدِهِ، ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ: قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيدُنِي مَا يُوْعَدُونَ قَالَ جَابِرٌ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَرُكْبَتِي تَمَسُّ رُكْبَتَهُ وَهُوَ يَقُولُ: لَا تَرْتَجِعُوا بَعْدِي كَقَارٍ يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، أَمَا لَئِنْ فَعَلْتُمْ لَتَعْرِفُنِي فِي جَانِبِ الْأَصْفَاءِ - أَقَاتِلْكُمْ مَرَّةً أُخْرَى. فَعَمَزَهُ جَبْرَائِيلُ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ - فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَوْ عَلِي. فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا بَوَّجْهِهِ فَقَالَ: أَوْ عَلِي (حسكاني، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، بی تا: ۴۹۰/۲).

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرد که خدای سبحان به مصطفی ﷺ خبر داد، امت او بعد از ارتحالش فتنه بپا خواهند کرد. سپس آیه شریفه «قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيدُنِي مَا يُوْعَدُونَ» نازل شد. جابر در ادامه می گوید: در حجة الوداع در کنار رسول الله ﷺ نشسته بودم. از آن حضرت شنیدم، فرمود: ای مردم! بعد از من به کفر و بی دینی رجعت نکنید و بعضی از شما گردن دیگری را نزنند. آگاه باشید اگر چنین کنید؛ مرا بار دیگر می بینید که در جانب دیگر صف و در مقابل شما قرار می گیرم؛ و بار دیگر برای اسلام با شما پیکار خواهم کرد. پس جبرئیل دست بر شانه من گذاشت، چون به سوی او برگشتم. گفت یا محمد ﷺ بگو، به خاطر علی بن ابی طالب ﷺ با شما مقاتله می کنم. آن حضرت به طرف ما برگشت و فرمود: پس با علی ﷺ دشمنی و مخالفت نکنید (حسکانی، شواهد التنزیل، بی تا، ج ۲، ۲۱۷).

## نتیجه

۱. مقاله دوین استوارت نقاط قوتی در ساختار داشت، از جمله: عنوان مناسب برای مقاله، مستند بودن مطالب و لحن گزارشی. نقاط قوت محتوایی شامل: ترجمه مناسب آیات قرآن کریم، پرداختن به جزئیات.
۲. این مقاله نقاط ضعفی هم داشت، از جمله: عدم مراجعه صحیح به منابع مناسب برای نگارش مقاله حجة الوداع است.
۳. بهره‌گیری دوین استوارت از منابعی که ذکر کرده، کامل نبوده است و تمام مطالب را بیان نکرده‌اند، فقط به قسمت‌هایی از اخبار حجة الوداع اشاره کرده است.
۴. اخبار عزیمت پیامبر ﷺ به مکه با جزئیات بیان شده است (از جمله تعداد قربانی توسط پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام)؛ اما اخبار مراجعت ایشان به مدینه و مهم‌ترین قسمت حجة الوداع که معرفی امیر مومنان علی علیه السلام به عنوان ولی و سرپرست مسلمانان است، ذکر نگردیده است. با اینکه در منابعی که نویسنده استفاده کرده است، این مطلب به روشنی بیان شده است.
۵. علاوه بر منابعی که دوین استوارت استفاده نموده است، منابع مورد وثاقت، اهل سنت درباره حجة الوداع که در آن‌ها تحریف و دستبرد رخ نداده باشد، زیاد است؛ اما از نظر ایشان مغفول مانده است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از فضلای حوزه و دانشگاه، موسسه فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه ترجمه: محمد مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران: بی تا.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت: ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن بن حنبل الشیبانی، أبو عبدالله احمد، فضائل الصحابة، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن طاوس حلّی، سید علی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، مطبعة الخيام، قم: ۱۴۰۰ ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، دار الفکر، بیروت: ۱۴۰۷.
۷. ابن ماجه القزوينی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بیروت: بی تا.
۸. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، دراسة و تحقیق: علی شیری، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت: بی تا.
۹. ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق، الفهرست، دار المعرفة، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، مصحح: ابراهیم آبیاری؛ سقاء، مصطفی؛ شبلی، عبدالحفیظ، دار المعرفة، بیروت: بی تا.
۱۱. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۸۷.
۱۲. اسکندرلو، محمدجواد، مستشرقان و تاریخ‌گذاران قرآن، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۱۳. الترمذی، محمد بن عیسیٰ أبوعیسیٰ السلمی، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر وآخرون، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۱۴. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد، مستدرک علی الصحیحین، تلخیص: للحافظ ذهبی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.

۱۵. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تصحیح: محمدباقر محمودی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران: ۱۴۱۱ق.
۱۶. خلیلی، خلیل، الارشاد فی معرفه علماء الحدیث، به کوشش: محمد سعید ادیس، ریاض: ۱۴۰۹.
۱۷. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، الجامع لاخلق الراوی و آداب السامع، به کوشش: محمود طحان، ریاض: ۱۴۰۳ق.
۱۸. ذهبی، محمد بن أحمد، سیر أعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۵.
۱۹. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره: ۱۹۹۰.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی دایره المعارف قرآن لایدن»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره اول، ۱۳۸۵.
۲۱. زمخشری، جارالله، تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل، مترجم: مسعود انصاری، انتشارات دار إحياء التراث العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، الدار المنثور فی التفسیر المأثور، دارالفکر، بیروت: ۱۹۹۳.
۲۳. شریفی، علی، «با قرآن پژوهان جهان»، گلستان قرآن ۳، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، داراحیاء التراث، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ دهم، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت: ۱۴۱۲.
۲۷. —، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
۲۸. طیبی، حسین بن محمد، فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الريب، تفاسیر اهل سنت، ۱۶۳ قد و تفسیر، ۱۳۹۶.
۲۹. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، داراحیاء التراث، بیروت: ۱۴۰۵.
۳۰. مک اولیف، جین دمن، دائرة المعارف قرآن، ترجمه: گروهی از مترجمان، ویراستاران ترجمه فارسی: حسین خندق آبادی، مسعود صادقی، مهرداد عباسی و امیر مازیار، حکمت، تهران: ۱۳۹۲.

۳۱. نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشی)، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۳۲. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج، دار إحياء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۳. نیشابوری، ابو عبدالله محمد، مستدرک الصحیحین، تلخیص: للحافظ ذهبی، دارالمعرفة، بیروت: بی تا.
34. McAuliffe.janeDammen. Encyclopaedia of the quran.volumeTwo.2002.
35. R.Bell.Muhammads pilgrimage proclamation.in JRAS 1937.Noldeke.GQ.W.M